

**سیاست جنایی ایران در حوزه میراث فرهنگی بر پایه مبانی حقوقی: تحلیل انتقادی مبانی جرم‌انگاری و کیفرگذاری**

**وابستگی سازمانی**

**نویسندگان**

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران

امین امیریان فارسانی \*

**چکیده**

**اطلاعات مقاله**

پژوهش حاضر با هدف تحلیل انتقادی مبانی حقوقی سیاست جنایی ایران در حوزه میراث فرهنگی انجام شده است. تمرکز اصلی بر ارزیابی میزان انطباق جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌های موجود با اصول حقوق عمومی، قواعد قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی است. در این چارچوب، انسجام تقنینی، تناسب جرم و مجازات و کفایت پاسخ‌های کیفری در برابر تهدیدهای فزاینده علیه آثار تاریخی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش مطالعه مبتنی بر تحلیل اسنادی و تطبیقی قوانین داخلی - از جمله قانون حفظ آثار ملی، مقررات سازمان میراث فرهنگی، قانون مجازات اسلامی و قوانین مرتبط با قاچاق - همراه با تحلیل کنوانسیون‌های یونسکو و سایر اسناد بین‌المللی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های حقوقی، سیاست جنایی ایران در این حوزه پراکنده و کم‌تناسب بوده و بسیاری از جرم‌انگاری‌ها بدون پشتوانه نظری روشن و بدون تفکیک رفتارهای کم‌خطر و پرخطر صورت گرفته‌اند. همچنین کیفرگذاری‌های موجود غالباً با اصل تناسب و ضرورت همخوانی ندارند و بهره‌گیری از ابزارهای پیشگیرانه و اداری نیز ناکافی است. نتیجه آن است که بازطراحی سیاست جنایی در این حوزه مستلزم ایجاد چارچوبی منسجم، چندسطحی و مبتنی بر مبانی معتبر حقوقی است تا حفاظت اثربخش و پایدار از میراث فرهنگی تضمین شود.

نوع مقاله پژوهشی

صفحه ۵۰ - ۳۹

دوره ۲، شماره ۳ (شماره پنجم پیاپی)

**اطلاعات نویسنده مسئول**

نویسنده مسئول امین امیریان فارسانی

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن ۰۹۱۳۴۳۲۱۳۰۳

ایمیل amirian\_farsani@gonabad.ac.ir

**سابقه مقاله**

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

تاریخ ویرایش ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

روش پژوهش توصیفی تحلیلی

سیاست جنایی، میراث فرهنگی، مبانی حقوقی، جرم‌انگاری، کیفرگذاری

**واژگان کلیدی**

**توضیحات**

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد امیریان فارسانی، امین (۱۴۰۴)، «سیاست جنایی ایران در حوزه میراث فرهنگی بر پایه مبانی حقوقی: تحلیل

دهی انتقادی مبانی جرم‌انگاری و کیفرگذاری»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲،

شماره ۳، (شماره پنجم پیاپی)، صفحات ۳۹ - ۵۰

## Iran's Criminal Policy in the Field of Cultural Heritage Based on Legal Principles: A Critical Analysis of the Principles of Criminalization & Punishment

Authors	Organizational Affiliation
Amin Amirian Farsani *	Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Gonabad Higher Education Complex, Gonabad, Iran
Article Information	Abstract
Article Type	<p>This study provides a critical analysis of the legal foundations of Iran's criminal policy in the field of cultural heritage. Its main focus is to assess the extent to which existing criminalizations and penal measures align with principles of public law, constitutional rules, and international obligations regarding the protection of cultural heritage. Within this framework, the research evaluates legislative coherence, the proportionality of crimes and punishments, and the adequacy of criminal responses to the growing threats against historical and cultural assets. The methodology is based on documentary analysis and comparative review of domestic laws—including the Law for the Preservation of National Monuments, regulations of the Cultural Heritage Organization, the Islamic Penal Code, and laws on smuggling—alongside UNESCO conventions and other international instruments. Findings indicate that despite available legal capacities, Iran's criminal policy in this domain remains fragmented and disproportionate, with many criminalizations lacking clear theoretical foundations and failing to distinguish between low-risk and high-risk behaviors. Moreover, existing penal measures often disregard the principles of proportionality and necessity, while preventive and administrative tools are insufficiently utilized. The conclusion is that redesigning criminal policy requires a coherent, multi-layered framework grounded in sound legal principles to ensure effective and sustainable protection of cultural heritage.</p>
Research	
Pages	
39 - 50	
Volume 2, Issue 3	
Corresponding Author's Info	
Corresponding Author's	
Amin Amirian Farsani	
ORCID	
0000-0000-0000-0000	
Tell	
09134321303	
Email	
amirian_farsani@gonabad.ac.ir	
Article History	
Received	
2025/07/28	
Revised	
2025/09/03	
Accepted	
2025/09/15	
Published Online	
2025/09/23	
Research Method	
Descriptive Analytical	
Keywords	<i>Criminal Policy, Cultural Heritage, Legal Foundations, Criminalization, Sentencing</i>
Description	
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>	
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>	
How to Cite This Article	Amirian Farsani, Amin (2025). "Iran's Criminal Policy in the Field of Cultural Heritage Based on Legal Principles: A Critical Analysis of the Principles of Criminalization & Punishment" <i>Interdisciplinary Journal of Studies in Law &amp; Islamic Education</i> , Vol. 2, No. 3 (Fifth Consecutive Issue), pp. 39-50.

## ۱: مقدمه

میراث فرهنگی، به‌منزله حافظه تاریخی ملت‌ها و تجسم عینی هویت جمعی آنان، جایگاهی برتر در نظام ارزشی جوامع انسانی دارد. این میراث نه‌تنها نشانگر تداوم فرهنگی، بلکه سرمایه‌ای عمومی و نماد اقتدار تمدنی است که پاسداری از آن، امروزه در زمره وظایف حاکمیتی و بین‌المللی قرار گرفته است. در عصر جهانی‌شدن و گسترش مبادلات فرهنگی، تخریب، غارت، قاچاق و بهره‌برداری غیرقانونی از آثار تاریخی و فرهنگی، تهدیدی جدی بر حیثیت فرهنگی کشورها محسوب می‌شود و از همین‌رو، دولت‌ها ناگزیرند در قالب سیاست‌های کیفری و حقوقی هوشمندانه، پاسخی مؤثر و متناسب به این تهدیدها ارائه دهند. در حقوق ایران، توجه به میراث فرهنگی سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد؛ از قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ گرفته تا مقررات متعدد مندرج در قانون مجازات اسلامی و قانون منع خروج اشیای عتیقه. با این حال، پراکندگی مقررات، ابهام در مفاهیم و عدم انسجام تقنینی میان جرم‌انگاری‌ها، منجر به شکل‌گیری سیاست جنایی‌ای ناهمگون و گاه متعارض شده است. در بسیاری از موارد، سیاست تقنینی به جای آنکه مبتنی بر مبانی حقوق عمومی نظیر اصل تناسب جرم و مجازات، ضرورت اجتماعی جرم‌انگاری و رعایت حقوق بنیادین اشخاص باشد، بر واکنش‌گرایی صرف استوار گردیده و بدین ترتیب، میان اهداف عدالت کیفری و الزامات حفاظت فرهنگی فاصله‌ای معنادار پدید آمده است. (رضوانی، ۱۳۹۱: ۳۸) از سوی دیگر، تحولات پرشتاب در عرصه بین‌المللی و تصویب کنوانسیون‌های مهمی چون کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو درباره منع و جلوگیری از واردات، صادرات و انتقال غیرقانونی اموال فرهنگی، دولت‌ها را به تعامل حقوقی و هماهنگی تقنینی بیشتر در این حوزه فراخوانده است. در چنین بستری، مسئله مهم این است که سیاست جنایی ایران تا چه اندازه بر مبانی حقوقی مستدل و اصول نظام حقوقی خود - از جمله اصول قانون اساسی، قاعده تناسب، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، و تعهدات بین‌المللی - استوار است؟ آیا جرم‌انگاری‌های موجود، مبتنی بر تحلیل علمی از خطرهای اجتماعی و فرهنگی واقعی تهدیدکننده میراث کشورند، یا پاسخ‌هایی شکلی، واکنشی و غیرنظام‌مند تلقی می‌شوند؟ این پرسش‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند، زیرا سیاست جنایی در حوزه میراث فرهنگی اگر فاقد مبانی نظری و حقوقی منسجم باشد، نه‌تنها در تحقق هدف بازدارندگی ناکام می‌ماند، بلکه ممکن است با افراط در کیفردهی یا توسعه بی‌ضابطه عناوین مجرمانه، به نقض آزادی‌های مشروع و اصول عدالت کیفری بینجامد. به بیان دیگر، کارآمدی سیاست جنایی، صرفاً در گرو افزایش شدت مجازات‌ها نیست، بلکه در گرو توازن میان پاسخ‌های کیفری، تدابیر پیشگیرانه، ابزارهای اداری و مشارکت نهادهای فرهنگی و جوامع محلی است. از این‌رو، تحلیل انتقادی مبانی حقوقی جرم‌انگاری و کیفرگذاری در حوزه میراث فرهنگی، ضرورتی نظری و کاربردی دارد. این تحلیل می‌کوشد با واکاوی زیرساخت‌های حقوقی موجود، نشان دهد که چه میزان از جرم‌انگاری‌های کنونی با اصول بنیادین حقوق عمومی و با اهداف واقعی حفظ میراث فرهنگی سازگار است. همچنین می‌سنجد که آیا سیاست جنایی ایران توانسته است میان منافع اجتماعی، ضرورت حفظ آثار تاریخی و رعایت کرامت فردی و حقوق شهروندی تعادل برقرار کند یا خیر. (پاکنهاد، ۱۳۸۸: ۴۵) در نهایت، مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی - انتقادی و مبتنی بر مطالعات تطبیقی، در پی آن است که ضمن شناسایی ضعف‌های تقنینی و نظری، چارچوبی منسجم برای بازطراحی سیاست جنایی ایران در عرصه میراث فرهنگی ارائه کند؛ چارچوبی که بر مبانی حقوقی معتبر، اصول تناسب، ضرورت و عدالت، و نیز بر هم‌سازی با استانداردهای بین‌المللی استوار باشد تا بدین‌وسیله، پاسداری مؤثر، پایدار و مشروع از سرمایه‌های فرهنگی کشور فراهم گردد.

## ۲: مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش به مفهوم‌شناسی سیاست جنایی در حوزه میراث فرهنگی پرداخته می‌شود. هدف آن است که مفاهیم کلیدی پژوهش به‌طور دقیق تعریف و حدود و ثغور هر یک روشن گردد. تبیین این مفاهیم نه تنها زمینه فهم مشترک را فراهم می‌آورد، بلکه امکان نقد مبانی حقوقی و ارزیابی انسجام تقنینی را نیز مهیا می‌سازد. از این‌رو، ابتدا مفهوم سیاست جنایی و جایگاه آن در نظام حقوق عمومی بررسی می‌شود، سپس میراث فرهنگی به‌عنوان موضوع جرم‌انگاری و حمایت کیفری تعریف می‌گردد، و در ادامه به توضیح مفاهیم جرم‌انگاری و کیفرگذاری در ارتباط با میراث فرهنگی پرداخته خواهد شد.

**۱-۲: میراث فرهنگی**

میراث فرهنگی مفهومی چندوجهی و عمیق است که به تمامی آنچه از نسل‌های پیشین به ما رسیده و در شکل‌گیری هویت ملی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش دارد، اطلاق می‌شود. این میراث حاصل تجربه، اندیشه، خلاقیت، باور و ذوق بشری در طول تاریخ است و دربرگیرنده‌ی نه فقط آثار ملموس مانند بناها، محوطه‌های باستانی، اشیای تاریخی، ابزارها، اسناد و نقوش، بلکه شامل عناصر ناملموس همچون زبان، ادبیات، موسیقی، آیین‌ها، رسوم، مهارت‌ها، جشن‌ها، سنت‌های شفاهی و دانش سنتی نیز می‌شود. میراث فرهنگی بخشی از حافظه‌ی جمعی ملت‌ها و تجلیگاه تداوم تاریخی آنان است؛ پیوندی میان گذشته و حال که مسیر آینده را نیز شکل می‌دهد. در سطح نظری، میراث فرهنگی تنها یک مجموعه فیزیکی از آثار باقی‌مانده نیست، بلکه نظامی از ارزش‌ها و معانی است که در طول زمان در جامعه‌ای خاص تبلور یافته و حامل هویت معنوی و فرهنگی آن جامعه است. این مفهوم دربردارنده‌ی دو بعد اصلی است: نخست بعد مادی که قابل رویت و لمس است و دوم بعد معنوی یا ناملموس که در حافظه‌ی فرهنگی ملت‌ها زنده است و از طریق انتقال میان‌نسلی استمرار می‌یابد. به این ترتیب، میراث فرهنگی نه فقط «چیزی برای تماشا» بلکه «شیوه‌ای برای زیستن و بودن در جهان» است. (توحیدی، ۱۳۹۰: ۱۵). در حقوق بین‌الملل، یونسکو میراث فرهنگی را مجموعه‌ای از مظاهر فرهنگی می‌داند که دارای ارزش برجسته برای بشریت است و از آن‌ها باید برای نسل‌های کنونی و آینده حفاظت شود. در حقوق ایران نیز، بر اساس قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و قوانین بعدی، هر اثر منقول یا غیرمنقولی که متضمن ارزش تاریخی، هنری یا باستانی باشد، جزئی از میراث فرهنگی کشور محسوب می‌گردد. اما در ورای این تعاریف قانونی، میراث فرهنگی در واقع عرصه‌ی تلاقی میان هویت ملی، مشروعیت تاریخی و سرمایه‌ی اجتماعی است؛ عنصری که نبود یا نابودی آن، گسستن پیوند ملت با ریشه‌های تمدنی خویش را در پی دارد.

**۲-۲: میراث فرهنگی ناملموس**

میراث فرهنگی ناملموس یا میراث معنوی بخش ظریف‌تر، پویاتر و زنده‌تری از فرهنگ یک جامعه است که در قالب رفتارها، باورها، دانش‌ها، مهارت‌ها، هنرها و سنت‌های شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این میراث برخلاف آثار مادی نظیر بناها و اشیای تاریخی، در ذهن، زبان و کنش جمعی مردم جریان دارد و اساس تداوم هویت فرهنگی هر ملت را تشکیل می‌دهد. میراث فرهنگی ناملموس شامل مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی است که در زندگی روزمره مردم حضور دارد؛ مانند زبان‌ها و گویش‌های محلی، موسیقی‌های سنتی، آیین‌ها و جشن‌ها، باورهای مذهبی و قومی، شیوه‌های سنتی کشاورزی، صنایع دستی، طب سنتی، مهارت‌های شفاهی نقل داستان‌ها و افسانه‌ها، و نظام‌های دانایی بومی که انعکاس‌دهنده‌ی رابطه انسان با طبیعت، جامعه و تاریخ اوست. (مؤمن زاده، ۱۳۹۳: ۱۳). اهمیت این میراث در آن است که برخلاف آثار مادی که ممکن است در اثر زمان فرسوده یا نابود شوند، میراث معنوی تا زمانی که در زندگی مردم جاری باشد، زنده می‌ماند. از همین رو، سازمان یونسکو در کنوانسیون ۲۰۰۳ حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس، این دسته از میراث را «منابع زنده فرهنگ بشری» خوانده و بر نقش مردم و جوامع محلی به عنوان صاحبان اصلی و پاسداران واقعی آن تأکید کرده است. در منظر حقوقی، میراث فرهنگی ناملموس بخشی از حقوق فرهنگی ملت‌ها و از مصادیق حقوق بشر فرهنگی به‌شمار می‌آید. دولت‌ها موظف‌اند با ایجاد سازوکارهای آموزشی، حمایتی و قانونی، زمینه انتقال و تداوم این سنت‌ها را فراهم کنند و از تجاری‌سازی افراطی یا تحریف آن‌ها جلوگیری نمایند. در ایران نیز بسیاری از نمونه‌های فرهنگی از قبیل نوروز، آیین نقالی، موسیقی مقامی خراسان، قالی‌بافی کاشان و چوگان در فهرست میراث معنوی یونسکو به ثبت رسیده‌اند که نشان از غنای فرهنگی و ارزش جهانی این جلوه‌های ناملموس دارد.

**۳-۲: آثار تاریخی**

«آثار تاریخی» به آن دسته از ساخته‌ها، یادگارها و بقایای مادی بازمانده از نسل‌های پیشین گفته می‌شود که بیانگر تاریخ، تمدن، فرهنگ و شیوه زندگی انسان در دوره‌های گذشته‌اند. این آثار در حقیقت گواه عینی حیات فرهنگی، اجتماعی و هنری اقوام و جوامع گذشته‌اند و از طریق آن‌ها می‌توان مسیر تحول تاریخی و فرهنگی بشر را مطالعه و بازسازی کرد. آثار تاریخی معمولاً شامل بناها، کاخ‌ها، دژها، آرامگاه‌ها، پل‌ها، محوطه‌های

باستانی، اشیای منقول مانند سکه‌ها، ابزارها، سفالینه‌ها، کتیبه‌ها، نقاشی‌ها و هر آن چیزی است که در گذر زمان دارای ارزش تاریخی، هنری یا باستان‌شناختی شده باشد. این آثار ممکن است متعلق به دوران کهن یا حتی دوره‌های معاصر باشند، مشروط بر آنکه بازتاب‌دهنده رویدادها یا شخصیت‌های مهم و واجد اهمیت فرهنگی و تمدنی باشند. (حجت، ۱۳۹۰: ۲۰). در بُعد نظری، اثر تاریخی نه فقط یک شیء یا بنای قدیمی است، بلکه حامل معنا، حافظه و روایت تاریخی ملت‌هاست. ارزش آن صرفاً در قدمت نیست، بلکه در «شهادت فرهنگی» آن نهفته است؛ یعنی نقشی که در بازگویی تاریخ و بازتاب ذهنیت، باورها، فنون و هنرهای زمان خود دارد. (خلیلیان، ۱۳۹۰: ۲۲). در ایران، بر اساس قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و اصلاحات بعدی، هر بنای غیرمنقول یا شیء منقولی که از حیث تاریخی یا هنری دارای اهمیت باشد و متعلق به بیش از یک صد سال قبل از تاریخ قانون تلقی گردد، در شمار آثار ملی محسوب می‌شود. علاوه بر این، آثاری که جنبه‌ی خاص فرهنگی و تمدنی دارند، می‌توانند به موجب تصمیم سازمان میراث فرهنگی در فهرست آثار ملی ثبت گردند. در بعد اجتماعی و فرهنگی، آثار تاریخی بخشی از میراث مادی جامعه هستند که هویت فرهنگی را تثبیت و تداوم تاریخی ملت را تضمین می‌کنند. تخریب یا قاچاق این آثار نه تنها از بین بردن اشیایی فیزیکی است بلکه به معنای گسستن پیوند میان نسل‌های امروز و گذشته‌ی آنان است. از همین رو، حفاظت کیفری و حقوقی از آثار تاریخی در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد و جزء مؤلفه‌های سیاست جنایی فرهنگی محسوب می‌شود.

### ۳: مبانی فقهی حمایت از اموال تاریخی، فرهنگی

حمایت از اموال تاریخی و فرهنگی در فقه اسلامی ریشه در اصول بنیادین شریعت دارد که بر حفظ مصالح عامه و جلوگیری از ضرر به جامعه تأکید می‌کنند. نخست، قاعده اتلاف مقرر می‌دارد که هرگونه تخریب یا نابودی مال موجب ضمان است و این ضمان در مورد آثار تاریخی که متعلق به عموم مسلمانان و نسل‌های آینده‌اند، اهمیت مضاعف دارد (بیطرفان و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۲). دوم، قاعده لاضرر بر منع هرگونه اقدام زیان‌بار نسبت به دیگران یا جامعه دلالت دارد و تخریب میراث فرهنگی به‌عنوان ضرری اجتماعی و فرهنگی مشمول این قاعده است (مشهدی، ۱۳۹۴: ۸۷). سوم، قاعده اکل مال بالباطل مانع از تصرف و بهره‌برداری غیرمشروع از اموال عمومی می‌شود و قاچاق یا خرید و فروش غیرقانونی آثار تاریخی را در زمره مصادیق بارز این قاعده قرار می‌دهد (بیطرفان و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۰). افزون بر این، قاعده مصلحت عامه و نظریه‌های فقه حکومتی، اختیارات ولی فقیه و دولت اسلامی را در صیانت از میراث فرهنگی توجیه می‌کنند، زیرا حفظ این آثار نه تنها جنبه اقتصادی، بلکه هویت دینی و فرهنگی جامعه را پاس می‌دارد (مشهدی، ۱۳۹۴: ۹۲). در پرتو این مبانی، حمایت از میراث فرهنگی در فقه اسلامی صرفاً یک وظیفه اخلاقی یا فرهنگی نیست، بلکه تکلیف شرعی و حقوقی محسوب می‌شود که بر دولت و افراد بار می‌گردد. بنابراین، جرم‌انگاری تخریب یا قاچاق آثار تاریخی و کیفرگذاری متناسب با آن، ریشه در قواعد فقهی دارد و می‌تواند با اصول حقوق عمومی و تعهدات بین‌المللی همسو گردد. این مبانی نشان می‌دهند که فقه اسلامی ظرفیت بالایی برای ارائه پشتوانه نظری به سیاست جنایی در حوزه میراث فرهنگی دارد و می‌تواند مبنای اصلاح و بازطراحی قوانین داخلی قرار گیرد.

### ۴: مبانی حقوقی حمایت از اموال تاریخی، فرهنگی

در قسمت مبانی فقهی حمایت از اموال تاریخی، فرهنگی دیدیم که مهمترین این مبانی، سنت و سیره ی معصومین و دستورات قرآن مجید در این باب بودند. از نظر حقوقی نیز می‌توان، حفظ حقوق مالکانه، حفظ مصالح اجتماع، اجرای عدالت کیفری و پیشگیری از تعدی افراد علیه اموال یکدیگر را به عنوان مبانی حفظ و حمایت از اموال نام برد. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، اولاً حفظ حقوق مالکانه است که هم می‌تواند مبانی حفظ اموال متعلق به غیر اعم از اموال تاریخی و غیره باشد و ثانیاً حفظ منافع اجتماعی است که بالاخص می‌تواند مبنای حفظ اموال تاریخی، فرهنگی باشد، حتی اگرچه بدون مالک یافت شده یا مالک خود مرتکب جرم باشد. بنابراین عنصر اصلی در پاسخ به این سؤال که چرا قانونگذار در ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، تعدی و تخریب آثار باستانی متعلق به خود مرتکب جرم را نیز منع و مستوجب

مجازات دانسته است، بررسی همین مبانی حقوقی است که به ذیل به طور مشروح، حفظ حقوق مالکانه و حفظ منافع اجتماعی بعنوان مبانی اصلی حفظ اموال و آثار تاریخی، فرهنگی تبیین می گردند. (حبیب زاده، ۱۳۹۳: ۸۵)

#### ۴-۱: حمایت از حقوق مالکانه

حمایت از حقوق مالکانه به مفهوم پاسداری از حق هر فرد یا نهاد در تملک، استفاده، بهره برداری و انتقال اموال مادی و معنوی خویش است. این حمایت یکی از بنیادی ترین ارکان نظام های حقوقی محسوب می شود و ریشه در اصل احترام به مالکیت خصوصی و تضمین امنیت اقتصادی دارد. حقوق مالکانه نه تنها شامل اموال منقول و غیرمنقول می شود، بلکه حقوق فکری و فرهنگی مانند آثار هنری، علمی و میراث فرهنگی را نیز دربر می گیرد. در بعد حقوقی، حمایت از مالکیت موجب ایجاد اطمینان در روابط اقتصادی و اجتماعی می شود، چراکه افراد را در بهره مندی از منافع حاصل از دارایی های خود و جلوگیری از تعرض غیرقانونی دیگران مطمئن می سازد. دولت در این زمینه، وظیفه دارد از طریق تصویب قوانین عادلانه، ایجاد نهادهای قضایی کارآمد و تضمین اجرای احکام، از حق مالکیت مشروع شهروندان حراست کند. علاوه بر مالکیت خصوصی، در سطح بین المللی نیز اسناد مهمی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حق هر انسان در تملک دارایی و مصونیت آن از سلب خودسرانه تأکید نموده اند. در حقوق ایران نیز اصولی چون اصل ۲۲ و ۴۷ قانون اساسی بر احترام و حمایت از مالکیت مشروع تصریح دارد. (خسروی، ۱۳۹۳: ۸۷) به طور کلی، حمایت از حقوق مالکانه فراتر از یک ضمانت حقوقی صرف است؛ زیرا این حمایت، بنیان ثبات اجتماعی، توسعه اقتصادی و تحقق عدالت را تشکیل می دهد. حفظ این حق به معنای احترام به آزادی فردی، نظم عمومی و اعتماد متقابل میان دولت و شهروندان است و هر نقضی نسبت به آن، تهدیدی برای امنیت حقوقی و کرامت انسانی تلقی می شود.

#### ۴-۲: حمایت از منافع اجتماع

«حمایت از منافع اجتماع» مفهومی بنیادی در فلسفه حقوق و سیاست جنایی است که بیانگر تقدم مصالح عمومی و خیر جمعی بر منافع فردی در مواردی است که میان این دو تعارض ایجاد می شود. منافع اجتماع شامل مجموعه ارزش ها، نیازها و اهدافی است که تحقق آن ها موجب حفظ نظم، امنیت، عدالت، سلامت، فرهنگ و توسعه پایدار جامعه می گردد. از منظر نظری، حمایت از منافع اجتماع به معنای التزام دولت و نهادهای عمومی به صیانت از ساختارهای حیاتی جامعه است؛ از جمله حفظ امنیت عمومی، حمایت از محیط زیست، پاسداری از میراث فرهنگی، سلامت و آموزش عمومی، عدالت اجتماعی و حقوق اساسی شهروندان. در واقع، منافع اجتماع تجلی اراده جمعی و بازتاب نیازهای درازمدت جامعه است که تداوم حیات مدنی و فرهنگی ملت را تضمین می کند. در نظام حقوقی، به ویژه در قلمرو حقوق کیفری و اداری، بسیاری از مقررات با هدف حفظ منافع عمومی وضع شده اند. جرم انگاری رفتارهایی مانند تخریب محیط زیست، قاچاق آثار تاریخی، اختلال در نظام اقتصادی، سوء استفاده از اموال عمومی، یا انتشار اطلاعات مضر به سلامت جامعه، مصادیقی از این رویکرد است. در این چارچوب، دولت نقش حافظ منافع عموم را دارد و مجاز است برای جلوگیری از آسیب به ارزش های جمعی، محدودیت هایی منطقی بر آزادی های فردی اعمال کند، البته مشروط بر آنکه این محدودیت ها قانونی، ضروری و متناسب باشند. در سطح فلسفی، حمایت از منافع اجتماع ریشه در نظریه «منفعت عمومی» دارد که بر پایه آن، عدالت اجتماعی زمانی تحقق می یابد که منافع فردی در خدمت ارتقای خیر همگانی قرار گیرد. از این منظر، جامعه صرفاً جمعی از افراد نیست، بلکه موجودیتی اخلاقی و ارزشی است که بقاء آن به رعایت اصل همبستگی، حسن نیت جمعی و مسئولیت متقابل وابسته است. (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۲۸) در حقوق ایران، اصول قانون اساسی از جمله اصل ۴۰ «هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» و اصل ۵۰ (درباره حفاظت از محیط زیست) به روشنی بیانگر تقدم منافع اجتماعی بر منافع شخصی می باشند. این اصول مبنای مشروعیت بسیاری از سیاست های عمومی کشور به شمار می آیند و راهنمای قوه قانون گذاری و قوه قضاییه در تنظیم قواعد منطبق با نیازهای واقعی جامعه هستند. در نتیجه، حمایت از منافع اجتماع نه تنها یک الزام حقوقی، بلکه یک تعهد اخلاقی و اجتماعی است که توازن میان

## امیریان فارسانی (۳۹ - ۵۰)

آزادی فردی، عدالت اجتماعی و نظم عمومی را برقرار می‌سازد. این اصل، ستون فقرات پایداری جوامع مدرن و عامل تضمین‌کننده همبستگی، اعتماد اجتماعی و پیشرفت پایدار به‌شمار می‌آید.

### ۳-۴: حمایت از منظر هویت ملی

از عوامل اساسی برای بالا نگه داشتن روحیه ی یک ملت مخصوصاً جوانان آن در جهت مهین دوستی و در نتیجه بالا رفتن اقتدار ملی این است که مردم آن جامعه، نظام اجتماعی، فرهنگی و سنتهای خود را نسبت به سایر نظامها و سنن بهترین تلقی نمایند و این امر محقق نمی‌گردد مگر با نگاه و تکیه به گذشته غرور انگیز آن ملت. ملتی که کشور خود را در زمانهای دور جزو قویترین نظامها در سطح جهان بداند به یک نوع غرور ملی دست پیدا می‌کند که همین امر موجب استحکام رابطه مردم آن جامعه باهم و در نتیجه اقتدار کل کشور می‌گردد، اقتداری که پایه و اساس توسعه یک جامعه است. همان گونه که افراد لحظه های مهم زندگانی خود را که همراه با موفقیت و پیشرفت بوده است همیشه در طول زندگی خود به خاطر دارند و به آن مباحثات می‌کنند، در معرفی خود به آن رجوع کرده و حتی شواهدی از آن لحظات را در کنار خود نگاهداری می‌کنند، ملتها نیز برای یادآوری و تغذیه این حس، ضمن توجه به گذشته، اقدام به معرفی آن می‌کنند درحقیقت نمایش فرهنگ پیش چشم کسانی که در فرهنگی دیگر پرورش یافته اند ممکن است موجب تقویت شخصیت و درک فرهنگ معرفی شده گردد. از اینرو انگیزه های ملی در پس تبادل، معرفی و نمایش آثار تاریخی - فرهنگی وجود دارد. (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۵۳) این آثار تنها مدارکی هستند که می‌توانند بیانگر چگونگی آداب و رسوم و ارزش ها و هنجارها، مذهب، قوانین و مقررات، اعتقادات، اخلاقیات، هنر، علم، سیاست و شیوه حکمرانی و ... ملت ها در طول تاریخ و سیر تکوین و تحول و تکامل و یا زوال آنها باشند. در واقع این آثار همچون شناسنامه هویت یک ملت می‌باشند که به واسطه ی آن ها می‌توان آن ملت را شناخت. از طرف دیگر پاره ای از کشورها در دهه های اخیر شاهد خود باختگی شدید نسل جوانشان در برابر فرهنگهای بیگانه هستند. اینان سعی می‌نمایند با ارجاع دادن جوانان خود به گذشته پرافتخار کشورشان هویت ملی از دست رفته این افراد را بازیابند و باورهای ملی و اعتقادی را در ایشان تقویت نمایند. بدین ترتیب در می‌یابیم که گذشته یک ملت نقش اساسی و تعیین کننده در انگیزش احساس هویت آن ملت دارد (رامبد، ۱۳۹۴: ۶۶) کشورما ایران از جمله سرزمین هایی است که دارای سابقه ی چندین هزار ساله تمدن می‌باشد. کشوری که در سابقه ی مبارزاتی خود شکست امپراطورهای روزگاران گذشته را به همراه دارد و زمانی بر آسیای مرکزی، جنوبی، غربی و آفریقای شرقی و بخشی از اروپا فرمانروایی می‌داند. حال چنین کشوری در مقطع کنونی برای اینکه بتواند در عرصه بین المللی عرض اندام نماید و بدین ترتیب منافع ملی خود را تامین نماید، باید ابتدا ثابت کند که یک چنین قدرتی را قبلاً داشته است و این حاصل نمی‌شود جز با شناخت و تعمق در آثار به جای مانده از گذشتگان این مرز و بوم و لازم می‌آید این شناخت حفاظت و نگهداری از اینگونه آثار می‌باشد تا برای همیشه در منظر نظر تمام ایرانیان قرار گیرد. حفاظت و صیانت از آثار فرهنگی - تاریخی، علاوه بر حمایت های غیرکیفری، باید از طریق پیش بینی ضمانت اجراهای کیفری مناسب در راستای مبارزه با مجرمینی که میراث فرهنگی را آماج جرم خود برمی‌گزینند، صورت پذیرد. در واقع قانون گذار باید در مورد این آثار یک نوع سیاست جنایی افتراقی در پیش گیرد. سیاستی که هرگونه تلاش برای لطمه به این آثار را در نطفه خاموش گرداند. (حسنی، ۱۳۹۵: ۳۵)

### ۴-۴: حمایت از منظر فرهنگی

فرهنگ به مجموعه معارف، عقاید، ارزش ها و هنجارها، هنر و ادبیات، آداب و رسوم، ابزار و وسایل جامعه که انسان در طی تکامل تدریجی خود به دست آورده و برای نسل های بعدی به میراث گذارده است اطلاق می‌گردد. بدین ترتیب فرهنگ طیف وسیعی از مفاهیم را در خود به همراه دارد. از جمله خصوصیات عمده ی فرهنگ اکتسابی و انتقالی بودن و همچنین جمعی بودن آن است؛ به این معنا که فرهنگ به عنوان یک دستاورد جمعی به صورت موارثت جامعه به نسل فعلی رسیده و به نسل های بعدی خواهد رسید. بدین ترتیب فرهنگ پایه اساسی تمدن هر کشور است که نسل های انسانی در زمان حیات خود از آن بهره می‌جویند و با اتکا به آن به زندگی و فعالیت های روزمره خود در کنار یکدیگر شکل می‌دهند. (حجت، ۱۳۸۰: ۴۳) اموال تاریخی - فرهنگی از مهمترین نمادهای فرهنگی یک جامعه می‌باشند که حاصل فعالیت های نویسندگان و

## امیریان فارسانه (۳۹ - ۵۰)

هنرمندان و ... تجلی کننده معنویت مردم و ساخت ارزشهایی است که به زندگی معنی می دهد و در حقیقت این اموال با فرهنگ یک کشور چنان تنگ و استوار به هم تابیده و در هم پیچیده اند که تفکیک و مجزا کردن یکی از دیگری کاری دشوار است در واقع اثر انسان بر روی هر تکه از میراث فرهنگی است که موجب می گردد که این میراث در برابر پیام می خوانیم، عامل فرهنگی یا اثر انسان است که بر پدیده ها انعکاس یافته و ارزش مطالعاتی آن در فهم پیشینیانمان است. میراث فرهنگی متجلی فرهنگ یک جامعه در گذشته است و از طریق بررسی این فرهنگ می توان به رشد و توسعه ی فرهنگی رسیدمتقابلاً. فرهنگ یک جامعه نیز در حمایت از میراث فرهنگی آن جامعه موثر است؛ چون ایجاد توسعه ی فرهنگی مانند دیگر انواع توسعه نیازمند ابزار مناسب خود است و می توان میراث فرهنگی را ابزار مناسبی برای ایجاد توسعه ی فرهنگی دانست. این میراث گرانبها زمینه ی برخورد و ارتباط فرهنگ های جوامع مختلف را مساعد می سازد تا از این طریق فرصت بهره گیری از فرهنگ های مختلف به وجود آید تقویت. روابط فرهنگی کشورها، توجه به پیشینه فرهنگی و مشترکات آنها را می طلبد؛ به طوری که تبیین تاریخ و پیشینه ی فرهنگی کشور، به خصوص برای کشورهای همجوار از جمله اصول تحکیم روابط سیاسی بین کشورها و ملت های همسایه محسوب می شود. هویت فرهنگی، که یونسکو آن را یکی از اهداف توسعه فرهنگی می داند، شامل هویت های قومی، دینی زبانی، هنری، تاریخی و جغرافیایی است که مستلزم توجه اساسی به آثار و بقایای هویت هایی است که به صورت آموزه های مکتوب یا شفاهی، اشیاء، امکنه، سنت ها، ارزش ها و باورها در جامعه وجود و نفوذ دارند. آنچه امروزه به عنوان «میراث فرهنگی» شناخته می شود، می تواند آئینه تمام نمای گذشته فرهنگ و بیان گر هویت فرهنگی یک جامعه باشد که شناسایی، مستند سازی، حفاظت و نگهداری و احیای مادی و معنوی آن نقش موثری در توسعه فرهنگی کشورها دارد. (ریواسی، ۱۳۸۲: ۳۲) با توجه به تعداد زیاد میراث فرهنگی ملموس و ناملموس در ایران، به منزله ی یکی از درخشان ترین تمدن های بشری، تدوین سیاست هایی برای حمایت، حفاظت، مرمت و احیای آثار فرهنگی یکی از ضرورت ها و از نخستین گام های توسعه ی فرهنگی کشور است در واقع اگر قانون را یکی از مهمترین ابزارهای حفاظت از میراث فرهنگی بدانیم، قوه مقننه، یعنی مجلس شورای اسلامی نقش برجسته ای در قانونمند کردن مساله حفاظت و نگهداری از میراث فرهنگی به عنوان ذخایر بالقوه و بالفعل فرهنگ و اقتصاد ملی خواهد داشت. جرم انگاری در راستای حمایت از میراث فرهنگی، نشان دهنده حساسیت قانون گذار بر ارزش های ذاتی این آثار است. به عنوان مثال زمانی که قانون گذار میراث فرهنگی ناملموس را مورد حمایت کیفری قرار می دهد، اقدام او حاوی این پیام است که این میراث برای مقتن واجد چنان ارزش و اهمیتی هستند که با متعرضین به آن با برخورد کیفری مقابله می کند. پس از جرم انگاری، وظیفه حقوق جزا حفظ آن ارزشها و تضمین حداکثر رعایت آنها توسط مردم خواهد بود. پس از تثبیت ارزش ها، غالب مردم فکر ارتکاب جرم را به خود راه نمی دهند. در مورد بقیه مردم، حقوق جزا از مجازات به عنوان مکانیزمی برای ممانعت از وقوع اعمال مجرمانه، و یا به حداقل رسانیدن آن ها، استفاده می کند. در هر یک از دو صورت هدف نهایی کاهش وقوع جرم است.

### ۴-۵: حمایت از منظر اقتصادی

بخش توریسم و گردشگری از مهمترین بخشی های اقتصادی یک جامعه است که ارتباط نزدیکی با میراث فرهنگی جامعه دارد. در حقیقت میراث فرهنگی مهمترین منبع و جاذبه صنعت گردشگری است که نقش بسیار مهمی در توسعه ی اقتصادی کشورها دارد. آگاهان اقتصادی معتقدند گردشگری تنها بخش از مجموعه عظیم اقتصاد است که در حد بسیار زیادی با رگه های فرهنگی گره خورده است؛ چون از یک سو تا حد مطلوبی موجبات آشنایی فرهنگ ها، نژادها، سرزمین ها، اقوام، گویش ها و غیره را با یکدیگر فراهم می سازد و از سوی دیگر نیز می تواند یکی از بهترین منابع کسب درآمد برای کشورهای مختلف باشد. گردشگری صنعتی است که ایجاد فرصت های شغلی جدید، ارزش آوری، ارتقای سطح زندگی مردم، فروش خدمات و کسب درآمد از جمله مزایای مستقیم حاصل از آن است. منابع و جاذبه های گردشگری از جهات مختلف و براساس شاخص های گوناگون قابل تقسیم و طبقه بندی هستند اما از نظر برنامه ریزی و مدیریت گردشگری می توان این منابع و جاذبه ها را به چند گروه عمده تقسیم کرد که بدون شک همانطور که قبلاً نیز بیان شد مهمترین آن، منابع و جاذبه های تاریخی و باستانی است. (خلیلیان، ۱۳۸۹: ۲۴) به همین دلیل اغلب کشورهای جهان که دارای میراث فرهنگی پرباری هستند از آن به منزله ی ابزاری برای توسعه اقتصادی استفاده می کنند. درآمدهایی

که کشورهای نظیر ترکیه، ایتالیا و مصر از گردشگری و بازدید آثار تاریخی شان به دست می آورند، از درآمدهای نفتی ایران بیشتر است. اگر درآمد برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا را که امروز به قطب های صنعتی و اقتصادی جهان تبدیل شده اند ارزیابی کنیم به راحتی مشاهده می شود که بخش بزرگی از این منابع مالی از طریق اقتصاد توریسم پویا در این کشورها به دست آمده است و این چیزی نیست جز این که کشورهای فوق صنعت گردشگری و نقش آن در اقتصاد امروز را درک کرده اند. صنعت توریسم امروزه به قدری در توسعه ی اقتصادی و اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاد دانان آن را «صادرات نامرئی» نام نهاده اند. (رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱) آنچه که به رابطه ی صنعت توریسم و میراث فرهنگی تحکیم می بخشد، شناسایی، حفاظت و نگهداری، معرفی و استفاده بهینه از میراث های طبیعی و فرهنگی - تاریخی است. بدون شک انهدام و آسیب های تاریخی به محوطه های باستانی و مجموعه آثار و ارزش هایی که تحت عنوان میراث های فرهنگی شناخته شده اند مصیبت بار بوده و فاجعه ای جبران ناپذیر برای بشریت خواهد بود. متأسفانه باید بیان داشت که این صنعت مهم در کشورمان تا به امروز پویایی چندانی نداشته است و این در حالی است که کشور ما به لحاظ پتانسیل و ظرفیت های لازم برای جلب سرمایه گذاران جزء برترین های جهان محسوب می شود. ایران تنها کشور جهان است که به طور هم زمان می توان چهار فصل را در آن مشاهده نمود و جزء ۱۰ کشور مهم توریستی جهان می باشد و لیکن از نظر پذیرش گردشگران در ردیف هفتم و از نظر درآمد گردشگری در ردیف هشتم و نهم قرار دارد. بدین ترتیب با توجه به سابقه ی تمدن چند هزار ساله ی کشورمان و وجود آثار تاریخی - فرهنگی بی شمار، مداخله کیفری قانون گذار برای حفاظت و صیانت از ارزش های پذیرفته شده آثار تاریخی - فرهنگی و نظام بخشی به جامعه امری ضروری می باشد. مداخله ای که اولاً مطابق معیارها و اصول کلی جرم انگاری باشد و در ثانی تأمین کننده اهداف جرم انگاری در این حوزه باشد.

#### ۵: نتیجه گیری

بررسی سیاست جنایی ایران در حوزه میراث فرهنگی نشان می دهد که با وجود برخورداری کشور از پشتوانه ای غنی در اصول حقوق عمومی، ظرفیت های قانون اساسی و تعهدات بین المللی مرتبط، ساختار کنونی جرم انگاری و کیفرگذاری در این حوزه نتوانسته است این مبانی را به شکلی منسجم و مؤثر در نظام تقنینی و قضایی منعکس سازد. مجموعه مقررات پراکنده، تعاریف ناقص، نبود تمایز روشن میان درجات خطر رفتارها و فقدان انسجام مفهومی باعث شده است که نظام کیفری در عمل نتواند متناسب با ارزش و حساسیت میراث فرهنگی واکنش نشان دهد. همین امر موجب شده است که جرائم مهمی همچون تخریب آثار تاریخی، حفاری غیرمجاز، قاچاق اموال فرهنگی و ترک فعل حفاظتی با وجود آنکه بخشی از سرمایه ملی و حافظه تاریخی کشور را تهدید می کنند، در ساختار موجود قانون گذاری اغلب در کنار جرائم کم خطرتر قرار گیرند و واکنش کیفری نسبت به آنها از شدت لازم و متناسب برخوردار نباشد. بخش مهمی از این نارسایی به این واقعیت بازمی گردد که سیاست جنایی ایران در این حوزه عمده تاً واکنشی و موردی بوده است. تقنین کیفری بیش از آنکه بر مبانی نظری استوار باشد، تحت تأثیر ضرورت های مقطعی، فشارهای اجتماعی یا رخداد های پراکنده صورت گرفته و همین موضوع مانع شکل گیری یک نظام یکپارچه حمایت کیفری شده است. نبود تحلیل خطر، فقدان ارزیابی پیامدهای هر نوع رفتار و نبود سازوکار سنجش میزان آسیب پذیری میراث فرهنگی سبب شده است که قانون گذار نتواند سطح تهدید هر عمل را به درستی تعیین کند و برای آن واکنش مناسب برگزیند. پیامد این وضعیت، بی ثباتی و پراکندگی در جرم انگاری و کیفرگذاری، سردرگمی دستگاه اجرایی و قضایی و کاهش اثر پیشگیرانه و بازدارنده نظام کیفری است. از سوی دیگر، ضعف در بهره گیری از ابزارهای غیر کیفری، یکی از مهم ترین علل ناکارآمدی حمایت از میراث فرهنگی است. تجربه کشورهای موفق در حفاظت از میراث فرهنگی نشان می دهد که پاسخ کیفری تنها زمانی می تواند اثربخش باشد که در کنار نظامی کارآمد از سازوکارهای اداری، آموزشی، حفاظتی و اقتصادی قرار گیرد. در ایران اما تمرکز بیش از حد بر مجازات های سنتی مانند حبس و جزای نقدی، بدون استفاده از ابزارهای مکملی نظیر نظارت سازمانی، هوشمند، آموزش تخصصی متولیان، نظام های مالی حمایتگر، مستندسازی دیجیتال و سازوکارهای جبران خسارت، موجب شده است که مداخله کیفری نه تنها کارکرد کافی نداشته باشد، بلکه بار غیر ضروری بر دستگاه قضایی نیز تحمیل شود. فقدان رویکرد چندلایه و هماهنگ سبب شده که بسیاری از تخلفات کوچک از طریق روش های غیر کیفری قابل حل باشد اما به حوزه عدالت کیفری کشانده شود، و در مقابل، رفتارهای واقعاً

## امیریان فارسانه (۳۹ - ۵۰)

مخرب گاه از درون یک ساختار اداری ضعیف مصون بماند. یکی از چالش‌های جدی دیگر، گسست میان تعهدات بین‌المللی ایران و وضعیت داخلی قانون‌گذاری است. کنوانسیون‌های یونسکو و اسناد تخصصی جهانی بر ضرورت پیشگیری سازمان‌یافته، همکاری منطقه‌ای و جهانی، مستندسازی استاندارد، ایجاد پایگاه‌های داده ملی و نظام‌های کنترل مرزی کارآمد تأکید دارند. اما بهره‌گیری ناقص از این تعهدات در قوانین داخلی موجب شده است که ایران نتواند از ظرفیت‌های جهانی موجود برای مبارزه با قاچاق و حفاظت بین‌المللی بهره‌مند شود. نبود سامانه‌های یکپارچه ثبت اموال تاریخی، ناهماهنگی دستگاه‌ها در اعلام آثار سرقت‌شده، ضعف در تبادل داده با کشورهای عضو و نبود رویه منسجم برای بازگرداندن اموال فرهنگی قاچاق‌شده، از پیامدهای این ناهماهنگی است و نشان می‌دهد که یک سیاست جنایی مؤثر بدون همگامی تقنین داخلی با استانداردهای بین‌المللی ممکن نیست. تأثیر این وضعیت بر رویه قضایی نیز بسیار قابل توجه است. دستگاه قضایی در مواجهه با جرائم میراث فرهنگی با ابهام‌های مفهومی، کمبود تعاریف دقیق، نبود معیارهای روشن برای تعیین درجه اهمیت آثار و خلأهای قانونی در تعیین مسئولیت کیفری مواجه است. این وضعیت سبب شده است که آراء صادره در موارد مشابه گاه اختلاف‌های چشمگیر داشته باشد و وحدت رویه‌ای شکل نگیرد. چنین ناهمگونی‌ای از نظر علمی و عملی نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار چارچوب مشخصی برای تمایز میان رفتارهای مختلف ارائه نکرده و در نتیجه قاضی ناچار است با تفسیرهای موسع یا مضیق، خلأها را جبران کند؛ امری که می‌تواند هم به تشدید آراء و هم به کاهش قطعیت قانون بینجامد. بنابراین، آنچه اکنون بیش از هر چیز ضروری به نظر می‌رسد، بازطراحی سیاست جنایی ایران در حوزه میراث فرهنگی در قالب یک نظام چندسطحی، هماهنگ و مبتنی بر اصول حقوق عمومی است. چنین نظامی باید به‌جای واکنش صرفاً کیفری، بر تحلیل خطر، اولویت‌بندی رفتارها و ارزیابی جامع تهدیدها استوار باشد و از ابزارهای مختلف اداری، پیشگیرانه، آموزشی، فنی و اقتصادی در کنار واکنش کیفری بهره‌گیرد. اصلاح ساختار تقنینی، بازنگری در کیفرگذاری‌ها، ایجاد سامانه‌های هوشمند نظارت و ثبت، تقویت هماهنگی نهادی و انطباق قوانین داخلی با تعهدات بین‌المللی، می‌تواند مسیر جدیدی برای رسیدن به یک سیاست جنایی کارآمد و پایدار فراهم کند. چنین بازطراحی‌ای باید بر مبنای ارتقای آگاهی عمومی، توسعه فناوری‌های ثبت و حفاظت، تقویت حضور متخصصان در فرآیند تصمیم‌سازی، شفاف‌سازی مسئولیت دستگاه‌ها و استفاده هدفمند از واکنش کیفری در موارد ضروری انجام گیرد تا حفاظت از میراث فرهنگی از مرحله شعار و واکنش‌های مقطعی فراتر رفته و به یک سیاست پایدار، نظام‌مند و آینده‌نگر تبدیل شود.

### ۶: پیشنهادات

با عنایت به اینکه جرائم علیه میراث فرهنگی و تاریخی از جمله جرائمی می‌باشند که به اعتبار و حیثیت کشور لطمه وارد میکند و از جرائم علیه کشور می‌باشد و ممکن است ارتکاب این جرائم خطرات جبران‌ناپذیری، به حیثیت و تاریخ یک کشور وارد نماید پس سیاست جنایی مناسب اقتضای آن را دارد که شروع به جرائم این موارد جرم محسوب گردد تا از ارتکاب این جرائم جلوگیری گردد اما متأسفانه قانونگذار کشور ما بدون توجه به این مسائل در جرائم علیه میراث فرهنگی و تاریخی شروع به جرم این جرائم را به استثنای قاچاق جرم موضوع ماده ۵۶۱ جرم محسوب نکرده است که پیشنهاد می‌شود قانونگذار در فصل مربوط به جرائم علیه میراث فرهنگی و تاریخی شروع به جرم این جرائم را جرم انگاری نماید. قانونگذار در فصل مربوط به جرائم علیه آثار فرهنگی عنوان فصل را فصل تخریب اموال تاریخی، فرهنگی آورده است. با عنایت به اینکه جرائم موضوع این فصل فقط تخریب آثار فرهنگی و تاریخی نمی‌باشد و شامل سایر جرائم از جمله سرقت، قاچاق، تزلزل، حفاری، خرید و فروش و ... را نیز می‌شود بنابراین پیشنهاد می‌شود کلمه تخریب از فصل نهم قانون مجازات اسلامی حذف گردد و فصل مربوط به جرائم علیه اموال تاریخی، فرهنگی تغییر گردد. در ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی قانونگذار تفاوتی بین سرقت کارمندان و کارکنان محل ارتکاب سرقت و سایر اشخاص قائل نشده است. با عنایت به اینکه ارتکاب جرم موضوع ماده ۵۵۹ از سوی اشخاص کارمند و کارکنان آن محل به سهولت و راحتی قابل ارتکاب می‌باشد لذا بر مقتن این اشکال وارد است که هیچ تفاوتی بین کارکنان آن محل با سایر اشخاص قائل نشده است. لذا پیشنهاد می‌گردد که قانونگذار ارتکاب جرم موضوع ماده ۵۵۹ را توسط کارکنان آن محل را با اعمال مجازات شدید نسبت به سایر اشخاص تغییر دهد.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «حقوق جزای عمومی»، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
۲. ایروانیان، امید (۱۳۹۵)، «سیاست جنایی؛ پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها»، در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
۳. آشوری، محمد (۱۳۹۳)، «عدالت کیفری»، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. پرادل، ژان (۱۳۹۲)، «تاریخ اندیشه‌های کیفری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۵. پرویزی فرد، پرویز (۱۳۹۱)، «آیین دادرسی کیفری تطبیقی: سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان»، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۶. پیکا، ژان (۱۳۹۰)، «جرم‌شناسی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۷. توحید فام، محمد؛ حسینیان، محمد (۱۳۹۳)، «فراسوی کنش و ساختار (تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز، بوردیو و هابرماس)»، تهران: نشر گام نو.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰)، «ترمینولوژی حقوق»، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات تهران.
۹. حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۹۳)، «حقوق جزای اختصاصی»، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. حجت، محمد (۱۳۹۰)، «میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی»، چاپ سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۱. حسینی، سید حسن رضا؛ علی‌پور، محمد (۱۳۹۵)، «پارادایم اجتهادی دانش دینی»، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حسینی، سید محمد (۱۳۹۳)، «سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دانشگاه تهران و سمت.
۱۳. حسینی نیک، سید (۱۳۹۲)، «بحران در سیاست جنایی ایران»، چاپ ششم، تهران: انتشارات جنگل.
۱۴. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱۳۸۲)، «بیانات در دیدار فضیلاي حوزه علمیه»، تهران: دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری.
۱۵. خسروی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مجموعه کامل قوانین و مقررات جزائی»، چاپ دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۶. خلیلیان، علی (۱۳۹۰)، «اموال تاریخی و فرهنگی در گستره تاریخ ایران»، فصلنامه میراث فرهنگی، شماره بیست‌ودو.
۱۷. دادبان، حسن (۱۳۹۳)، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. درویش‌روحانی، شهرام (۱۳۹۱)، «نگرشی بر روند ثبت آثار در فهرست میراث جهانی»، گزارش ماه، نشریه داخلی سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، «لغت‌نامه»، جلد دوازدهم، چاپ نهم، تهران: گلشن.
۲۰. راب وایت، فرانک (۱۳۹۴)، «جرم و جرم»، ترجمه علی سلیمی، تهران: نشر میزان.
۲۱. رامید، علی (۱۳۹۴)، «آثار تاریخی و حفاظت قانونی»، فرهنگ و پژوهش، شماره صد و پنجاه‌وهفت.
۲۲. رضایی، علیرضا الیاس علی (۱۳۹۵)، «الگوی شبکه‌ای ساختار تولید علوم انسانی - اسلامی»، در: مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی، تهران: انتشارات کتاب فردا.
۲۳. ریچارد اشناپدر، تدکچین (۱۳۹۶)، «برنامه‌ریزی برای پیشگیری از وقوع جرم»، ترجمه فروزان سجودی، تهران: نشر میزان.
۲۴. زارعیان، محمد؛ سفیری، خدیجه (۱۳۹۰)، «علوم انسانی بومی بر مبنای منطق فازی»، دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره یک.

امیریان فارسانه (۳۹ - ۵۰)

۲۵. زراعت، عباس (۱۳۹۳)، «شرح قانون مجازات اسلامی»، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: نشر فیض.
۲۶. زینالی، حسن (۱۳۹۵)، «پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ششم.
۲۷. سلیمی، صادق (۱۳۹۵)، «حقوق جزای عمومی»، چاپ پنجم، تهران: انتشارات تهران صدا.
۲۸. فتاح، علی (۱۳۹۵)، «آینده جرم‌شناسی»، ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد، تهران: نشر میزان.
۲۹. مؤمن‌زاده، محمد (۱۳۹۳)، «میراث فرهنگی»، ماهنامه مرمت.
۳۰. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۰)، «واژه‌نامه حقوق اسلامی»، چاپ سوم، تهران: انتشارات تهران.
۳۱. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، «حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)»، چاپ سی‌ام، تهران: نشر میزان.
۳۲. نجفی ابرندآبادی، علی (۱۳۹۶)، «پیشگیری عادلانه از جرم»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، چاپ سوم، تهران: سمت.
۳۳. نوبهار، رضا (۱۳۹۲)، «حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی»، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.
۳۴. نوریها، رضا (۱۳۹۴)، «زمینه‌ی حقوق جزای عمومی»، چاپ بیست‌ونهم، تهران: گنج دانش.
۳۵. ولیدی، محمدصادق (۱۳۹۵)، «حقوق جزای عمومی»، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: انتشارات داد.